



روایت اکبر جاودانی، خیراندیش محلۀ راه آهن و گاز
از تنگناهای مالی دیروز تا گشاده دستی امروز

۵۴

معامله با خدا



عکس: نفیسه فرخی/شهر آرا

وقتی چرخ های خدمت در یک تعمیرگاه مکانیکی
در محلۀ تیمور می چرخد

سهم کوچک من از
خدمت به وطن

۶



۳

شهروندان خواستار ایمن سازی و بازنگری در
طراحی دوربرگردان پنجتن ۶۹ هستند
خطر در دوروبر یک دوربرگردان

۷

پنجشنبه گذشته برای دختران هیئت
حضرت معصومه (س) متفاوت برگزار شد
درس هایی برای روزهای سخت

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۹۲۵۸۶۶۷ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

۳



● درس‌هایی ساده برای زندگی آرام

سه شنبه پیش، کلاس «سبک زندگی شیرین» با مشارکت بانوان در مسجد چهارده معصوم^(ع) برگزار شد. در این برنامه، یکی از کارشناسان حوزه خانواده، درباره موضوعاتی مثل تربیت فرزند، همسرمداری و شیوه‌های ارتباطی به بیان نکاتی کاربردی پرداخت. ارائه این مباحث با طرح پرسش‌هایی از سوی شرکت‌کنندگان و دریافت پاسخ از سوی کارشناس مدعو همراه بود. شکل‌گیری سرفصل‌هایی برای گفت‌وگوهای هدفمند و مفید میان بانوان محله و نشر رفتارهای صحیح در فضای خانواده، از اهداف برگزاری این نشست بود.



● آموزش‌های کاربردی برای روزهای بحرانی

کلاس آموزشی «آمادگی در بحران»، دوشنبه گذشته در مسجد امیرالمؤمنین^(ع) برگزار شد. این برنامه با همکاری دوام‌ثامن منطقه ۳ شهرداری و با حضور جمعی از شهروندان اجرا شد. شرکت‌کنندگان آموزش‌هایی در زمینه اطفای حریق، احیای قلبی ریوی (CPR)، کنترل فشارخون، امداد اولیه و روان‌شناسی بحران دریافت کردند. هدف از برگزاری این کلاس‌ها ارتقای آمادگی برای شرایط اضطراری بود و در جریان آن، کار تیمی میان شرکت‌کنندگان تمرین شد.



● مسجدی‌ها سنگر گرفتند

درواکنش به حملات اخیر رژیم صهیونیستی، جمعی از امامان جماعت، فعالان فرهنگی، بسیجیان و اهالی محلات منطقه ۳ در مسجد امام سجاد^(ع) واقع در محله طبرسی شمالی گرد هم آمدند. در این گردهمایی، حاضران ضمن محکوم کردن حملات اخیر به خاک کشور، بر پشتیبانی از نیروهای مسلح و پایبندی به آرمان‌های انقلاب تأکید کردند. یادآوری نقش مساجد در دوران دفاع مقدس و بازتعریف جایگاه مسجد در شرایط کنونی برای تقویت همدلی و خدمت‌رسانی به مردم از محورهای بحث و گفت‌وگو در این جلسه بود.

● کم بخر همیشه بخر!

محمدرضا فیضی، پویش «نه به خرید هیجانی» در مسجد فاطمه الزهرا^(س) در محله طبرسی شمالی آغاز شده است. این پویش با هدف تشویق به خرید مسئولانه و کاهش فشار روانی در این روزها با همراهی اهالی محله اجرا می‌شود. مردم با شعار «ما با هم قوی هستیم»، تلاش می‌کنند در خرید مایحتاج، تعادل را رعایت کنند و به دیگران هم فرصت تهیه اقلام مورد نیازشان را بدهند. این حرکت مردمی با گفت‌وگو و اطلاع‌رسانی در بین نمازگزاران و خانواده‌ها در حال گسترش است.



بانوان محله دروی، نخودی دردیگ‌اش جبهه مقاومت انداختند

نذر پیروزی حق

فیضی اباراول نبود که نذری دادند. بارها شده برای سلامتی، رفع اندوه یا گرفتن حاجات دیگر دست به دست هم داده و دیگ‌اش را سیرپا کرده‌اند. هفته پیش امنیت خواهان بسیجی پایگاه حلیمه^(س) در محله دروی برای پختن آش نذری متفاوت بود. آن‌ها سوگوار شهادت فرماندهان، دانشمندان و غیرنظامیان هم‌وطن بودند و به نیت این شهدا، اهالی محله را اطلاع کردند. زهرا یگانه، فرمانده این پایگاه که جمع‌آوری نذورات، تهیه ملزومات و آشپزی را عهده‌دار بوده است، می‌گوید: «هر کدام از اهالی به اندازه توان خود، مشارکت کرد. یکی نیم کیلو نخود آورد، دیگری یک کیلو لوبیا، خیلی‌ها پول دادند برای خرید سبزی، رشته، کشک، پیاز و روغن هم که آماده شد. دیگ را برای پذیرایی از دست‌کم صد نفر سیرپا کردیم.»



چاله‌بی چاله

خرداد امسال ۵۶ متر مربع از معابر سطح منطقه ۳ آسفالت ریزی و لکه‌گیری شد. این عملیات با استفاده از ۶۶ تن آسفالت و با هدف بهبود عبور و مرور شهری و کاهش خطرات ناشی از فرونشست‌ها و چاله‌ها انجام گرفت. برای اجرای این پروژه، اعتباری بالغ بر ۲ میلیارد و ۲۴۰ میلیون ریال هزینه شد.

رویشی در محله مهر مادر

عملیات احداث مرکز «رویش» یوسف زاده در محله مهر مادر با هدف ارتقای سرنانه فرهنگی و اشتغال‌زایی در حال اجراست. این مرکز در زمینی به مساحت هشتصد متر مربع در چهار طبقه احداث می‌شود که تاکنون به پیشرفت فیزیکی ۲۵ درصد رسیده است. برای اجرای این پروژه ۱۹۸ میلیارد ریال اعتبار در نظر گرفته شده است.

قرقی سبزتر می‌شود

بوستان شهید کشمیری در محله قرقی با پیشرفت فیزیکی ۶۰ درصد در حال ساخت است. این پروژه شامل زمین‌بازی، مسیر پیاده‌روی، میلمان، سرویس بهداشتی و امکانات ورزشی و رفاهی است. عملیات از اسفند ۱۴۰۲ آغاز شده و تاکنون بیش از ۱۹۰ میلیارد ریال از مجموع اعتبار ۲۹۱ میلیارد ریال آن هزینه شده است.



۳



شهروندان خواستار ایمن سازی و بازنگری
در طراحی دوربرگردان پنجتن ۶۹ هستند

خطر در دوربریک دوربرگردان



هم قدم



محمد رضا فیضی | اسفند ۱۳۹۵، شهرداری منطقه ۴ برای کاهش تصادفات و بهبود ایمنی تردد در بولوار پنجتن، طرحی را کلید زد که قرار بود رضایت شهروندان را به دنبال داشته باشد. در این طرح، دوربرگردان مقابل پنجتن ۹۱ مسدود و اصلاح هندسی دوربرگردان مقابل پنجتن ۶۹ نیز انجام شد. از همان ابتدا، بسته شدن دوربرگردان پنجتن ۹۱ با استقبال ساکنان همراه بود. اما اصلاحات انجام شده در نزدیکی پنجتن ۶۹ با واکنش های منفی و گلایه های مردمی روبه رو شد. گلایه هایی که حالا پس از گذشت چند سال، نه تنها کم نشده، بلکه پررنگ تر هم شده است.

● اعتراضان بی فایده بود

دوربرگردانی که برای مردم مشکل آفرین شده است، مرز دو محله شهید قربانی و التیمور است. یک طرف آن پنجتن ۶۹ و طرف دیگر آن پنجتن ۶۴ است. محسن صمدی یکی از کسبه قدیمی این خیابان از پیگیری هایش در سال ۱۳۹۵ می گوید: «بهمن همان سال، وقتی شهرداری تصمیم به اصلاح هندسی این دوربرگردان گرفت، اعتراض کردیم. گفتیم اجرای این طرح بعدا مشکل ساز می شود، اما پاسخی که شنیدیم این بود که این طرح کارشناسی شده و به نفع شهروندان است.»

اجرای پروژه همان و آشکار شدن ایرادهای این پروژه همان؛ در سال ۱۳۹۶، در خیابان پنجتن ۶۴ آتش سوزی رخ داد. خودرو آتش نشانی به محل دوربرگردان رسید، اما نتوانست دور بزند. چون عرض دوربرگردان را خیلی کم در نظر گرفته بودند. ناچار شد مسیر را ادامه دهد و از دوربرگردان مقابل پنجتن ۷۲ برگردد تا خود را به محل حادثه برساند!

صمدی حرف هایش را با چند پرسش به پایان می رساند: «آیا واقعا چنین طرحی با دقت کارشناسی شده بود؟ آیا نظارتی بر اجرای پروژه ها وجود دارد؟ آیا جان و مال شهروندان نباید در اولویت پروژه های شهری باشد؟»

● ترافیک، عرض کم دوربرگردان، پارک دوبل

حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد رضا زاده، از جوانان دغدغه مند و فعالان فرهنگی محله شهید قربانی نیز از دیگر کسانی است که نسبت به وضعیت این دوربرگردان گلایه مند است. او می گوید: «از زمان اصلاح هندسی دوربرگردان پنجتن ۶۹، عرض خیابان

کاهش پیدا کرده است. این موضوع در ساعاتی از روز که بعضی شهروندان خودروهای خود را برای تعمیر یا تهیه دارو و بله پارک می کنند، موجب ترافیک در این محدوده می شود.»

وی ادامه می دهد: «در اغلب نقاط شهر، دوربرگردان های یک لاین کندرو در سمت چپ خیابان دارند تا خودروها به راحتی دور بزنند، اما در این نقطه چنین امکانی فراهم نیست. خودروها ناگهان اقدام به دور زدن می کنند و همین عامل، زمینه ساز افزایش آمار تصادفات در این محدوده شده است.»

● برای اصلاح هندسی بولوار پنجتن بودجه داریم

در پی دریافت برخی دغدغه ها و گلایه های شهروندان، بارنیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۴ گفت وگو کردیم. احمد وفاکیش با اشاره به روند اجرای طرح های ترافیکی گفت: «پیش از اجرای هر طرحی در حوزه حمل و نقل، گروهی متشکل از کارشناسان سازمان حمل و نقل، پلیس راهور و کارشناسان شهرداری در محل حاضر می شوند و پس از بررسی های میدانی، تصمیم گیری انجام می شود و در انتها ما مجری طرح هستیم.»

او همچنین درباره وضعیت بولوار پنجتن اظهار کرد: «در بودجه عمرانی منطقه، اعتباری برای اصلاح هندسی و ایمن سازی بولوار پنجتن در نظر گرفته شده است. در صورت نیاز، می توان با دعوت از کارشناسان، اهالی و کسبه، جلسه ای برگزار کرد تا مسائل و مشکلات مطرح و برای رفع آن ها اقدام شود.»

شهرآرنا محله با توجه به نکات مطرح شده، در تلاش است با همکاری شورای اجتماعی محله و حضور کارشناسان مربوط، زمینه برگزاری جلسه ای برای بررسی و پیگیری مشکلات بولوار پنجتن را فراهم کند.

برخورد قاطع با ساخت و سازهای غیرمجاز

اداره نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۴ از ابتدای امسال، اقدامات مؤثری برای مقابله با ساخت و سازهای غیرمجاز انجام داده که به یک مورد قلع بنای غیرمجاز به مساحت ۳۸۵ مترمربع و ۲۸ مورد برش اسکلت به متر ۲ هزار و ۶۰۰ مترمربع منجر شده است.

این اقدامات با هدف حفظ نظم شهری، صیانت از حقوق شهروندان و اجرای دقیق ضوابط شهرسازی صورت گرفته و با جدیت ادامه خواهد داشت. شهرداری منطقه ۴ از شهروندان خواست در صورت مشاهده موارد مشکوک در ساخت و ساز، به مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ اطلاع دهند.

کنترل مستمر جمعیت سگ های ولگرد

از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۳۵ قلاده سگ ولگرد از سطح منطقه ۴ جمع آوری شده اند. در اردیبهشت ۲۱ قلاده و در فروردین ۱۴ قلاده سگ جمع آوری شدند که این روند، بیانگر افزایش اقدامات در جهت حفظ سلامت عمومی و ارتقای امنیت محیط شهری است.

اما با وجود جمع آوری مستمر سگ ها عواملی مانند وسعت منطقه، وجود منابع غذایی قابل دسترس، مکان های امن برای سگ ها و ورود آن ها از مناطق هم جوار باعث حفظ جمعیت این حیوانات ولگرد شده است. اقدامات برای کنترل این وضعیت به صورت مستمر ادامه دارد.



شهر خبر



هم زمان با پیروزی جبهه مقاومت و فرارسیدن ماه محرم صورت گرفت

نصب پرچم، نذر محرم

فیضی | هم زمان با فرارسیدن ماه محرم و در روزهایی که نوای پیروزی جبهه مقاومت دل ها را روشن کرده است، نوجوانان مسجد قائمیه در محله شهید قربانی، حرکتی زیبا و ماندگار را رقم زده اند. آن ها با اراده ای محکم، پرچم مقدس ایران و پرچم عزای حضرت ابا عبد...^(ع) را بر سردر خانه های شهروندان نصب می کنند؛ پرچم هایی که این روزها، نشانه ای از عزت، ایستادگی و ایمان شده اند. این طرح که با مشارکت باشگاه فرهنگی اجتماعی «مانا» در حال اجراست، با استقبال گرم اهالی روبه رو شده است.



روایت اکبر جاودانی، خیراندیش محله راه آهن و گاز
از تنگناهای مالی دیروز تا گشاده دستی امروز



معامله با خدا

فرزانه شهامت امردی میان سال باسرو وضعی مرتب و کت و شلوار اتوکشیده. از خودرواش پیاده می شود و بالیخند به استقبالمان می آید. کلید می اندازد و ما را به یکی از طبقات ساختمانی مجلل و نوساز در نقطه ای برخورد از محله راه آهن، راهنمایی می کند که انعکاس نور لوسترها در آئینه کاری دیوارها، چشم نوازی اش را دوچندان کرده است. نشستن «اکبر جاودانی» بر روی یکی از صندلی های این تالار که به برگزاری مراسم ازدواج زوج های نیازمند اختصاص پیدا کرده. آغاز گفتن از روایت هایی شنیدنی است؛ روایت هایی از راز و رمز مال و مکتب امروز او که بی حساب و کتاب در راه خیر خرج می شود و نیز، مرور روزهای تنگدستی که جور کردن پول رهن خانه ای اجاره ای، برایش رؤیاشده بود.

خانه ای پربرت

متولد ۱۳۵۶ است. فرزند چهارم از خانواده ای ۹ نفره که به واسطه مالکیت پدر بر یک بنگاه اتومبیل در محله گاز، همواره غرق در ناز و نعمت بوده است؛ «از بچگی مطیع و سر به راه بودم. در دوران تحصیل از ابتدایی تا پایان مقطع کارشناسی ارشد مدیریت دانشگاه فردوسی، همیشه دلم می خواست والدینم به واسطه رفتار من سرفراز باشند. حتی یک بار هم پیش نیامد که به خاطر شیطنت، بی انضباطی یا نمره بد من، به مدرسه احضار شوند.»

او روزهای کودکی اش را این طور مرور می کند؛ «در خانه شلوغ آن روزهای ماکه پاتوق همسایه ها و فامیل بود. کسی کاری به کار من نداشت. یعنی این طور نبود که روی نماز و روزه ام حساسیتی باشد. با این حال، با کشتی درونی که نمی دانم منشأ آن چه بود، دلم می خواست با خدا حرف بزنم. از هشت سالگی نماز خوان شدم؛ نه خط در میان، که پیوسته و کامل. طوری که اگر روزی در نماز کاهلی می کردم و اتفاق بدی برابرم می افتاد، می گذاشتم به حساب کم کاری در نماز.»

خیر پای کار محله راه آهن که چندی است به جرگه تأمین کنندگان جهیزیه برای زوج های نیازمند پیوسته است. راه و رسم مردم داری را از والدینش به یادگار دارد. راه پله خانه کودکی اش را به یاد می آورد که همیشه پر بود از کیسه های برنج و ارزاق و مهمانان بی شمار و ناتمام این خانه که هرگز دست خالی بر نمی گشتند؛ پدرم با وانت برنج می خرید و خالی می کرد. مدتی نمی گذشت که مادرم می گفت: برنجمان تمام شد. پس که دست و دل باز بود و سواي سفره داری همیشگی اش به این وان هم بذل و بخشش می کرد.»

حرکت به مقصد مهربانی

اهالی محله گاز به ویژه نمازگزاران مسجد صاحب الزمان (عج)، عضو هیئت امنای مسجدشان را خوب می شناسند و بارها مهمان سفره هایی شده اند که جاودانی، بانی پهن شدن آن شده است. مثلاً شب های نیمه رمضان که چند اتوبوس دم در مسجد می آمد و اهالی را که در روز توزیع کارت دعوت، به نماز آمده بودند سوار می کرد. مقصد، باغ شخصی آقای جاودانی بود که بنا بود مراسم افطار و جشن میلاد کریم اهل بیت (ع) در آن برگزار شود؛ «گاهی بی مناسبت، مسجدی های به ویژه سال خورده ها ایشان را مهمان می کردم تا حال و هوا ایشان عوض شود. بعد از آن، هر وقت در مسجد هم دیگر رami دیدیم دعای می کردند و همین حال خوب اهالی که کوهی از تجربه و مهربانی هستند، برابرم کافی بود. باز خورد برخی از آن ها برابرم عجیب و تأمل برانگیز بود. وقتی به طور مثال می گفتند تا قبل از این اردوی تفریحی، درست نمی دانسته اند رفتن به خارج از شهر در تعطیلات یعنی چه.»

استقلال مالی یک باره

اسپند دان، بادکنک آرایشی ها و دسته گل های مصنوعی، نشانه های تازه ترین مراسمی است که هفته پیش در این تالار برگزار شد. این فضای دویست متری، میزبان جشن جهیزیه برون زوج های نیازمندی بود که با کمک کانون فرهنگی تبلیغی مهرانادر محله راه آهن، شناسایی شده بودند و با فراهم شدن لوازم مورد نیاز، در آستانه ورود به دنیای زندگی مشترک قرار داشتند.

در آن مراسم و دیگر برنامه های مشابهی که جاودانی، در تأمین هزینه های آن مشارکت دارد، کمتر کسی هویتش را می داند و از سهم او در شاد کردن قلب زوج های نیازمند با خبر است. این گمنامی خود خواسته را دوست دارد و اصرار چند باره اش برای ادامه نیافتن مصاحبه، نیز به همین دلیل است؛ «وقتی با خدا معامله می کنی، خودش به کارت برکت می دهد. اگر واقعاً برای رضای او قدمی برداشته ای، دیگر چه دلیلی دارد که کسی تو را بشناسد یا دیگران خبردار شوند که بانی فلان کار خیر بوده ای؟»

کسی که در خانواده پدری طعم نداری را نچشیده است، چطور حال و روز زوج های کم بضاعت را درک می کند و برای سامان گرفتن زندگی های نابسامان شان، از مال خود می بخشد؟

او زمان را به سال ۱۳۷۸ برمی گرداند و زندگی مشترکی که با تنگنای مالی شروع شد؛ «این طور نبود که من و پدرم اختلافی داشته باشیم با هم. اصلاً من به اصرار او بود که ازدواج کردم. روز مراسم، یک باره تصمیم گرفت من را به لحاظ مالی مستقل کند. آن روز حتی برای پذیرایی مهمان هایی که خانه مان جمع شده بودند هم پولی نداشتیم و با قرض از یکی از بستگان، قضیه را جمع و جور کردم. بعد از آن هم برای جور کردن هزینه های زندگی، در فشار بودم. آرزوی من و همسر من شده بود رهن کردن خانه ای که پول پیش آن یک میلیون تومان بود. با این حال درست مثل بچگی هایم، در خانه ام باز بود به روی مهمانان و اگر تنگنایی بود برای خود مان بود، نه برای پذیرایی از آن ها.»



همراهی همدلانه با «مهرانا»

حمیده پای رنج، مدیر کانون فرهنگی تبلیغی مهرانا و
رئیس شورای اجتماعی محله راه آهن:

آشنایی من به سال ۱۳۹۵ برمی گردد. مجموعه مهرانا را که آن زمان اسمش بود «ستاد ازدواج آسان محله راه آهن»، تازه راه اندازی کرده بودیم. برای برخی برنامه هایمان مثل جشن ازدواج زوج های نیازمند، مشکل مکان داشتیم. روبه روی منزل یکی از اعضای گروه، ساختمانی در حال احداث بود. تصمیم گرفتیم با مالک آن که آقای جاودانی بود، صحبت کنیم؛ فعالیت هایمان را توضیح بدیم و ببینیم، فضایی برای فعالیت هایمان دارند؟ گفت وگویی ماهمه اش بیست دقیقه طول کشید و ایشان یک طبقه از ساختمان را که مراحل پایانی بنایی اش سپری می شد، در اختیار مجموعه ما قرار دادند؛ فضایی که اذعان داشتند از ابتدا به نیت حسینی، ساخت آن را شروع کرده بودند. این سالن، برکت زیادی برای همشهریان به ویژه اهالی محله راه آهن داشته و برنامه های مختلفی به خود دیده است؛ از برگزاری دوره های آموزشی برای زوجین و جشن های ازدواج تا کلاس های هنری و حتی ورزشی. از آن زمان، همراهی و همدلی آقای جاودانی با مهرانا ادامه پیدا کرد و از بهمن یار سال به عنوان نایب رئیس مجمع خیرانمان انتخاب شدند. امسال بانیت خدا پسندانه ایشان، هزینه پذیرایی از اهالی محله در ظهر تاسوعا که همه ساله بانی آن می شدند به تهیه دوسری چیهیزیه و راهی شدن دوزوج نیازمند به خانه بخت، اختصاص پیدا کرد.



چرخ و فلک زندگی

زندگی برای کسی که شرایط مالی اش را در آغاز زندگی مشترک، «زیر صفر» توصیف می کند، به همین روال باقی نماند. به قول خودش، دنیا مثل چرخ و فلک است و زیر و رو کردن شرایط مالی برای خداکاری ندارد. فقط اینکه وقتی در پایین دست هستی، نباید ناامید باشی و وقتی به بالا دست رسیدی، مغرور نشوی. او که در سومین دهه از عمر خود، تنها از راه گرداندن مؤسسه قرض الحسنه در خیابان گاز، امرار معاش می کرد؛ اکنون یکی از فعالان حوزه ساخت و ساز به شمار می رود و در حوزه های دیگری مثل تأمین مالی شرکت های دانش بنیان، دامداری و صنعت هتلداری نیز سرمایه گذاری کرده است. بایان دستاورد ها، تأکید می کند: «این ها همه از لطف خداست و من هیچ چیز را به حساب زرنگی خود نمی گذارم.»

او ادامه می دهد: «اموال را خدا به امانت می دهد تا ببیند جنبه اش را داری یا نه. اگر منم منم بکنی و سهمی برای دیگران در اموالت در نظر نگیری، به قول قدیمی ها قافلهمه ات برعکس می شود. به قول حاج آقای قرآنی که در برنامه درس هایی از قرآن، سخنرانی می کرد، سینی تا وقتی مقابلت می ماند که برای دیگران برداری. اگر دنبال سهم خواهی خودت باشی، سینی نعمت ها را از مقابلت دور خواهند کرد.»



فرصت های طلایی

هر چه بیشتر می گوید، بیشتر باور می کنیم از خیر بودن فرصت هایی که پیش روی او قرار می گیرد؛ مثلاً سفری که به کرپلا داشت و دیدن موب های پذیرایی از زوار حضرت ابا عبد...^(ع) که منجر به روشن شدن چراغ ایده ای تازه در ذهنش شد؛ «تصمیم گرفتم در ورودی مشهد از سمت قوچان، ایستگاه دائمی پذیرایی از زائران حضرت رضا^(ع) را احداث کنم. ایستگاهی که زائر، امکانات رفاهی لازم را داشته باشد. برای گرفتن مجوزهای لازم، سختی هایی پیش رویم قرار داشت که باز کردن گره آن از عهده من خارج بود. دست آخر، ماجرا را به امام هشتم^(ع) واگذار کردم. از جایی که گمانش رانمی بردم، درست شد و این مجتمع پذیرایی از سال ۱۳۹۲ در پیچ ساغروان، پذیرای زوار حضرت است. در بقیه مناسبت ها مثل غدیر، میاهله و ایام غیر شلوغی هم مراسم زیادی برای مددجویان مؤسسات مختلف در فضای ۳ هزار و ۵۰۰ متری آن برگزار می شود بدون آنکه از این فضا، به دنبال یک ریال درآمد باشیم.»

آشنایی با گروه مهرانا و در اختیار قرار دادن زیر زمین آینه کاری شده ای که در آن به گفت و گو نشستیم، این فرصتی از همین جنس است؛ همیشه دوست داشتم فضایی را درست کنم که عام المنفعه باشد، چیزی شبیه حسینی. مراحل آخر ساخت آن بود که از طریق یکی از همسایه ها با گروه مهرانا آشنا شدم و این فضا را در اختیارشان قرار دادم، برای برگزاری کلاس آموزشی، مراسم عقد و عروسی و هر برنامه ای که خودشان صلاح می دانند.»

نقشه گنج

هشدار اذان ظهر که از تلفن همراه جاودانی بلند می شود، نگرانی محسوسی در چهره اش، رخ می نماید. ناگفته، متوجه الزام او به خواندن نماز اول وقت می شویم و تا مسجد آیت ا... میلانی در خیابان شهید هاشمی نژاد، همراهی اش می کنیم.

شادمان از اینکه در غده اش فهمیده شده است، در واپسین دقیقه های گفت و گو، بدون آنکه سؤالی پرسیده شود، از چیزهایی می گوید که هر کدام بخشی از یک نقشه گنج است برای آن ها که رسیدن به ثروت را صرفاً از راه های مادی جست و جو می کنند: «هیچ وقت بد کسی را نخواستیم و اگر مشورتی از من خواسته شد، حتی اگر به ضرر بود، خیانت نکردم. برای همین حتی رقبای مالی ام برای گرفتن مشورت سراغم آمده اند»، «مادرم آرزویی مادی داشت که آن را برآورده کردم. خدا بیامرز همیشه دعا می کرد و می گفت: الهی که پیش دوست و دشمن، سر بلند باشی»، «نماز، اول وقتش صفا دارد. تعقیبات نماز صبح، بابرکت است و هر مشکلی داشته باشی را حل می کند»، «خدا خیرت بدهد های از روی تعارف، نه؛ اما مگر می شود خدا دعا های از ته دل یک نیازمند را که با کمک تو شاد شده است، بشنود و رحیم نکند؟»

وقتی چرخ های خدمت در یک تعمیرگاه مکانیکی در محله التیمور می چرخد

سهم کوچک من از خدمت به وطن

۴



راه تجربه

تعمیرکار محله التیمور
تصمیم گرفت متنی
را بنویسد و در گروهی
محلی منتشر کند؛
متنی که در آن به ارائه
خدمات رایگان به
خودروهای گشت بسیج،
ارتش و سپاه اشاره داشت.
همدردی با مسافرانی که
تصمیم به ترک دیار خود و
اسکان موقت در کنار مضجع
امام رئوف^(ع) گرفته اند، بخش
دیگری از تصمیم اوست که با
استقبال مردم همراه شده است.

● ○ ادای دین

«در بین واکنش های مثبت فراوانی که بابت
تصمیمم گرفته ام، هستند کسانی که کنایه می زنند و
می گویند: توی این اوضاع که بعضی ها افتاده اند دنبال
احتکار و درآمد، هدف چیست از این کار بی جیره و
مواجب؟» مهدی در ادامه می گوید که نیمی از ده مراجعه
روزانه به مجتمع تعمیرگاهی اش، مربوط به خودروهایی
است که مشمول این طرح شده اند و
بابت تعمیرشان، نفع مادی عایدش
نمی شود.

او معتقد است این کار رانه از روی
بی نیازی مالی بلکه بنا به یک حساب
و کتاب عقلی ساده انجام می دهد:
«من توی همین مملکت و در سایه
امنیتش کار یاد گرفتم، کسب و کار
راه انداختم، ازدواج کردم، بچه دار
شدم و دارم زندگی ام را می گذرانم.

شما بگویند، بابت این همه خدمتی که دریافت کرده ام
و مدیونش هستم، تعمیر چند خودرو از حافظان امنیت
شهر یا کسانی که در شرایط جنگی، به شهرمان
پناه آورده اند، کار مهمی به حساب
می آید؟»

من توی همین مملکت و در
سایه امنیتش کار یاد گرفتم، شما
بگویند، بابت این همه خدمتی که
دریافت کرده ام، تعمیر چند خودرو
از حافظان امنیت شهر، کار مهمی
به حساب می آید؟

تجاوز اسرائیل به کشورمان کلید خورده است، این طور بازگو
می کند: «حوالی ساعت ۹ شب بود. داشتم برمی گشتم خانه.
دیدم بچه های گشت بسیج جلو خودروهایی را که نیاز به بازرسی
دارند می گیرند. می دانم که تا صبح درگیر هستند؛ درگیر انجام
خدمتی بی منت، بی نمایش، بی مزد و بی ادعا. با خودم گفتم
این ها که از این راه درآمدی ندارند،
از خواب شبشان می مانند، باین
خستگی، صبح هم باید بروند
پی شغلشان. برای تشویق و
قدردانی از آن ها باید کاری
بکنم.»

● ○ به شکرانه امنیت

موتور، گیربکس، جلوبندی؛ فرقی
نمی کند جک باشد یا لیفان، پراید،
چری، ام وی ام، ریو، ال ۹۰... تقریباً از
هر نسل یک نمونه را در خودروهایی که
برای تعمیر به این مجتمع تعمیرگاهی
آورده اند می بینیم. در میان خودروهای
در صف تعمیر، یک دستگاه تویوتا
هایلوکس نظامی نیز به چشم می خورد
که تعمیر آن، رایگان است. او ماجرای
طرح ابتکاری اش را که از روزهای نخست

● ○ خدا حافظی با مدرسه

چرخ زنگ زده زندگی در روستای مرزی «ایوب پیغمبر»
از توابع شهرستان بجنورد، به سادگی نمی چرخد. پدر،
کشاورز ساده ای بود که ماه ها روی چند تکه زمین کار
می کرد تا با برداشت گندم، لوبیا و چغندر قند، نان حلال
سر سفره خانواده پنج نفره اش بیاورد، اما هزینه های
نتیجه زحمت هایش می چربید و روزگار، بادشواری های
مالی سپری می شد؛ «پسر بزرگ خانواده بودم و از بچگی،
کمک حال بابا. فرصتی برای مطالعه نداشتم باین حال
درس هایم خوب بود و نمره هایم جزو سه چهار نفر اول
کلاس. سوم راهنمایی را که تمام کردم، باید به دبیرستانی
می رفتم در روستای مجاور، فاصله اش تا روستای ماهفت
کیلومتر بود؛ مسیری که طی کردن آن روی ترک موتور در
سرماي استخوان سوز پاییز و یخبندان زمستان، سخت
و خطرناک بود.»

وضعیت نابسمان مالی و دشواری های رفت و آمد برای
تحصیل، مهدی را به خدا حافظی با مدرسه و سلام به
دنیای کار و امرار معاش، مجاب کرد.

● ○ آموختن در غربت

چند شاگرد نوجوان سرپا ایستاده اند و قصه زندگی
استادکار جوان خود را با دقت گوش می دهند. یکی دیگر
که جا افتاده تر به نظر می رسد، داخل چاله سرویس رفته
و در حال تعمیر خودرو سمند است. مکانیک خیراندیش
محله التیمور، اوضاع مجتمع تعمیرگاهی اش را ورنه از
و شاگردانش را راهنمایی می کند و سپس به مرور کردن
گذشته بازمی گردد. او روزهای نوجوانی و سردرگمی برای
انتخاب حرفه مناسب را به یاد می آورد و می گوید: «مدیون
یکی از رفقای پدرم هستم که من را به مکانیک شدن،
راهنمایی کرد. یک سالی را در بجنورد، شاگرد بودم و بعد
از آنکه الفبای کار را یاد گرفتم آمدم مشهد.»

زندگی به دور از پدر و مادر برای کسی که هنوز هفده سالگی
را هم پر نکرده بود، نمی توانست ساده باشد. هر چند رنج
تنهایی، با بودن بستگانی در مشهد که هوای مهدی را
داشتند، کمتر می شد باین حال همچنان تلخی خود
را حفظ کرده بود. دل خوشی او در سه سالی که در مشهد
به حرفه آموزی گذشت، یاد گرفتن نکته های تازه و
شیرین درآمدی بود که با زحمت به دست می آورد؛ «یک
سالی را رفتم تهران. آنجا تعمیر ماشین های مدل بالا به
پستم می خورد و کار را حرفه ای تر می کرد. سیزده سال
است برگشته ام مشهد. کار می کنم و شاگرد می گیرم. سه
چهار تایشان مستقل شده اند و مغازه زده اند.»

برنامه‌های اوقات فراغت مسجد امیرالمؤمنین (ع) در محله مسلم شمالی هر سال پرشور برگزار می‌شود

تابستانی برای یاد گرفتن، نه فقط وقت گذراندن

۳

عیدگاه

محمد رضا فیضی | اگر گذرتان به خیابان مسلم شمالی یک، افتاده باشد، حتما مسجد امیرالمؤمنین^(ع) به چشمتان خورده است؛ مسجدی ساده اما زنده. در روزهای گرم تابستان، حضور پرشور و نشاط نونهالان، نوجوانان و جوانان به مسجد حال و هوای متفاوتی می‌دهد. از اتاق‌ها و شبستان‌ها صدای بچه‌هایی می‌آید که در پی آموختن هستند؛ از دوخت دکمه تا حفظ آیه‌ای از قرآن. از بافتن یک دسته مو تا نقاشی کردن دنیای کودکانه‌شان.

● بدنه‌ای مردمی در محله

حجت الاسلام و المسلمین محمد مهدی رحیمی از سال ۱۳۹۸ امام جماعت این مسجد شده و حالا دیگر چهره‌ای آشنا برای همه اهالی است. به قول خودش، مسجد فقط یک مکان عبادی نیست، بلکه جایی برای گفت‌وگو، همکاری و حل مسائل محله است. رحیمی می‌گوید: «ما مسجدی داریم با بدنه‌ای مردمی. بسیاری از مسائل را بدون اینکه پای نهادی وسط باشد، با کمک خود نمازگزارها و اهالی حل می‌کنیم. این مشارکت، سرمایه اصلی مسجد ماست.»

● کلاس‌های کاربردی

با شروع فصل تابستان، مسجد دوباره حال و هوایی متفاوت پیدا می‌کند. دیگر فقط وقت نماز نیست که مسجد پر از هیاهو و پررفت‌وآمد است؛ از صبح تا عصر، بچه‌ها و نوجوان‌ها برای شرکت در کلاس‌ها به اینجای می‌آیند. حجت الاسلام و المسلمین رحیمی با

اشاره به برنامه‌های تابستانی می‌گوید: «مثل سال‌های قبل، با هم‌فکری اعضای پایگاه بسیج، برنامه‌هایی ترتیب داده‌ایم که بیشتر جنبه کاربردی داشته باشد. مثلا خیاطی، بافت مو، کلاس قرآن و... تا نوجوانان هنری را یاد بگیرند که در خانه هم به درد خانواده‌شان بخورد. این کار باعث می‌شود ارتباط نوجوان با کانون خانواده هم مستحکم‌تر شود و اعتماد به نفسش بالا برود.»

● مربیانی از دل محله، برای دل بچه‌ها

یکی از نکاتی که باعث شده است این برنامه‌ها با استقبال زیادی روبه‌رو شود، استفاده از ظرفیت‌های محلی برای آموزش است. فرمانده بسیج خواهران مسجد، مسئولیت برگزاری برنامه‌های بانوان را بر عهده دارد و درباره روند انتخاب مربیان توضیح

می‌دهد: «سال‌های قبل در سطح محله اطلاع‌رسانی کردیم و از خانم‌هایی که توانایی آموزش داشتند، دعوت کردیم که همکاری کنند. الان مربی خیاطی، مربی قرآن، حتی مربی بافت مو و مداحی همه از اهالی همین محله‌اند. این موضوع هم باعث دلگرمی بچه‌ها شده، هم به دلیل حذف هزینه رفت‌وآمد، شهریه‌ها پایین‌تر است و خانواده‌ها هم بیشتر استقبال می‌کنند.»
عالیه مرادی در ادامه حرف‌هایش می‌گوید: «مسجد ما مسجد جوانی است؛ بیشتر نمازگزارانش را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند. این موضوع فضای اینجا را زنده نگه داشته و باعث شده ارتباطی صمیمی بین خود بچه‌های محله شکل بگیرد. تلاش ما این است که برنامه‌هایی متناسب با نیاز همین نسل طراحی کنیم تا مسجد برایشان یک پایگاه امن، بانشاط و آموزنده باشد؛ نه فقط یک محل عبادی.»

● وقتی اختلاف جایی ندارد

اما شاید مهم‌ترین نقطه قوت مسجد امیرالمؤمنین^(ع)، چیزی فراتر از کلاس‌ها و برنامه‌ها باشد؛ فضای دوستانه و همکاری بی‌حاشیه میان مسئولان مسجد.
مرادی می‌گوید: «اینجا اختلافی نیست. همه کنار هم هستیم؛ هیئت امناء، امام جماعت، بسیج خواهران و برادران. هرکس گوشه‌ای از کار را گرفته است. همین همدلی باعث شده است برنامه‌ها با انرژی بیشتری پیش برود. با این حال بچه‌ها خوشحال‌ترند، خانواده‌ها راضی‌تر و ما هم امیدوارتر.»



پنجشنبه گذشته برای دختران هیئت حضرت معصومه^(س) متفاوت برگزار شد

درس‌هایی برای روزهای سخت

۴



عیدگاه

محمد رضا فیضی | درست در روزهای تجاوز رژیم غاصب صهیونیستی به ایران که نگرانی‌ها و بحران‌هایی وقفه از راه می‌رسیدند، دختران هیئت حضرت معصومه^(س) در محله ایثار، آموختند چطور آرام بمانند، تصمیم بگیرند و از خودشان و خانواده‌شان مراقبت کنند؛ آن هم زیر نظر مربیان دوام ثامن در دل یک هیئت دخترانه که حالا تبدیل به پناهگاهی امن برای آموزش زندگی شده است.

● پاتوقی برای حال خوب دختران محله

پنجشنبه‌های هر هفته، محله ایثار حال و هوای متفاوتی دارد. جمعی از دختران نوجوان از محله‌های اطراف به اینجا می‌آیند تا ساعاتی را در کنار یکدیگر و زیر سقف هیئت دختران حضرت معصومه^(س) سپری کنند. جایی که ترکیبی از نشاط، یادگیری و معنویت در کنار هم، تجربه‌ای ماندگار برای نوجوانان رقم می‌زند. مسئولیت این پاتوق هفتگی را فاطمه داد محمدی، بر عهده دارد؛ کسی که حالا دغدغه‌اش فقط اجرای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی نیست، بلکه نگاهی عمیق‌تر به نیازهای روحی و روانی دختران دارد.

او درباره برنامه هفته گذشته می‌گوید: «با توجه به شرایط این روزها و دغدغه خانواده‌ها، تصمیم گرفتیم دوره‌ای برای کاهش استرس و آمادگی در شرایط بحرانی برگزار کنیم. برای همین، از گروه دوام ثامن منطقه ۴ دعوت کردیم تا یکی از کارشناسانشان درباره مدیریت بحران نکات کاربردی را برای بچه‌ها ارائه کند.»

استقبال نوجوان‌ها از این برنامه، برگزارکنندگان را به فکر تکرار و گسترش آن انداخته است. داد محمدی در همین باره می‌افزاید: «برنامه با استقبال خوبی روبه‌رو شد و در نظر داریم تا دوره‌های مشابهی برای مادران نیز برگزار کنیم تا خانواده‌ها آمادگی بیشتری در رویارویی با شرایط سخت داشته باشند.»

● آموزش بحران به زبان نوجوانان

یکی از مهمانان ویژه این دوره، فاطمه نیری، رابط دوام ثامن شهرداری منطقه ۴ بود؛ مربی دوره‌های آموزش مدیریت بحران که این روزها با تشکلهای و مساجد بسیاری در سطح شهر در تعامل است و آموزش تاب‌آوری اجتماعی را در اولویت کاری خود قرار داده است. او در هیئت دختران مهدوی، طی یک جلسه دوساعته، مفاهیم کلیدی درباره حفظ آرامش در بحران، تصمیم‌گیری درست، آمادگی خانواده‌ها و شناخت جنگ روانی را با زبان ساده برای نوجوانان تشریح می‌کند.

نیری با اشاره به حوادث اخیر کشور می‌گوید: «یکی از موضوعاتی که در دوره‌های دوام ثامن به شهروندان آموزش داده می‌شود، آشنایی با جنگ روانی است. هدف ما، آماده‌سازی ذهنی و رفتاری مردم برای رویارویی با هر نوع حادثه‌ای است تا بتوانند بهترین تصمیم و عملکرد را در موقعیت‌های حساس داشته باشند.»
به گفته او، در هفته‌های اخیر درخواست برای برگزاری این گونه

آموزش‌ها از سوی نهادهای مردمی و فرهنگی افزایش یافته است. نیری درباره نحوه ثبت نام و برگزاری دوره‌ها توضیح می‌دهد: «تشکلهایی که تمایل به برگزاری دوره‌های آموزشی دارند، می‌توانند با تماس با شماره ۱۳۷، درخواست خود را ثبت کنند. سپس هماهنگی‌های لازم با نزدیک‌ترین رابط دوام برای اجرای این دوره‌ها صورت خواهد گرفت.»

● تجربه فراموش‌نشدنی

در میان دختران نوجوانی که در این دوره آموزشی حضور داشتند، نازنین زهرامد دزاده به همراه خواهر کوچک‌ترش نیایش نیز حضور داشتند؛ دختری از اعضای فعال هیئت دخترانه مهدوی که از تابستان گذشته با این جمع همراه شده است. او از تجربه حضور در این دوره آموزشی چنین می‌گوید: «مربی برایمان توضیح داد که در شرایط بحرانی مثل جنگ یا زلزله، چطور باید استرمان را کنترل کنیم. یاد گرفتیم که اول باید خون سردی مان را حفظ کنیم و بعد تصمیمی درست بگیریم. مثلاً اینکه روبه‌روی پنجره نایستیم یا پرده‌ها را بکشیم تا اگر شیشه شکست، آسیب نبینیم.»



طلاب، گلشور، ایثار، تلگرد، وحید، فجر، رده، پنجتن، شهید قربانی
التمور، کوی مهدی

محلات منطقه‌ها

راه آهن، فاطمیه، گاز، مسلم، دروی، سپس آباد، طبرسی شمالی، عباس آباد
رسالت، خیرآباد، بهمن، خواجه ربیع، مهر مادر، بلال، قرقی، مهرگان



○ مرصیه شیخ الطایفه که با پسر هشت ماهه‌اش آمده و می‌گوید:
«دو سال است در این مراسم شرکت می‌کنم. سال گذشته نذر کردم اگر
خدا به من پسری دهد، او را نذر سربازی امام زمان (عج) کنم. مادرها
فقط تماشاچی عاشورا نیستیم؛ ما هم آماده ایم فرزندانمان را فدای
راه حق کنیم.»



○ مانیابرقعی، نوجوان سیزده ساله و عضو گروه سرود سراج که با
بغضی در صدا شعری از زبان کودک امام حسین (ع) رادر این
مراسم خوانده است، می‌گوید: «وقتی به این بیت
رسیدم که از غصه پُرم، خیلی از نبودن داداش
علی اصغر دل خورم... دلم گرفت. انگار خودم
وسط خیمه همراه با بچه‌های امام بودم.»



مسجد چهارده معصوم (ع) در محله فاطمیه
میزبان مراسم شیرخوارگان حسینی بود

اشک مادران؛ عهد کودکانه

فیضی اصدای نوزادان، امسال هم در اولین جمعه ماه محرم در محله
فاطمیه دل‌ها را به کریم پیاپی زد. مراسم شیرخوارگان حسینی در مسجد و
حسینیه چهارده معصوم (ع) با حضور مادرانی برگزار شد که کودکانشان را در آغوش
گرفته بودند؛ قدم‌های کوچک اماند‌های بزرگ، سخنرانی، اجرای گروه سرود دختران سراج و
مدیحه سرایی مداحان اهل بیت (ع) فضای مسجد را بریز از اشک و شوق کرد. فاطمه احمدیان،
فرمانده پایگاه بسیج امام زمان (عج) به مامی‌گوید که این برنامه سابقه سه ساله دارد و به
همت خود مردم برگزار می‌شود. طوری که چند روز مانده به مراسم، مادران نذرهایشان
را آماده می‌کنند. این برنامه، مجلس مادران است؛ هر مادری می‌زبان است، نه میهمان.



○ عصمت شورابی، از مادران باسابقه در مراسم شیرخوارگان
حسینی، با تأکید بر برپایی مراسم شیرخوارگان می‌گوید: «این مراسم
باید با قوت بیشتری ادامه پیدا کند. مردم باید بدانند اهل بیت (ع) در
برابر ظلم ایستادند، حتی اگر فرزندانمان قربانی این راه شدند. این
پیام، برای زمانه ما هم حیاتی است. باید به نسل جدید منتقل شود.»



○ زهره صبوری، دخترک شش ساله‌ای دارد که خودش را در آغوش
مادرانداخته است و می‌گوید: «تلاش می‌کنم پیام‌های عاشورا را وارد
زندگی روزمره‌مان کنم. روز عاشورا از بیچه‌هایم می‌خواهم کمتر آب
بخورند تا یاد بگیرند همدردی باتشنگی اهل بیت (ع) یعنی چه. عاشورا
فقط گریه نیست، فهم و زندگی است.»